

# کنترل تسلیحات : از رویا تا واقعیت

شهرام کالچی

▼ دیدار باراک اوباما از مسکو در کنار اجلاس سران گروه هشت کشور صنعتی در ایتالیا به عنوان مهم‌ترین رویدادهای دیپلماتیک جولای ۲۰۰۹ جهان سیاست به شمار می‌رود. روابط مسکو- واشنگتن پس از طی دوره نسبتاً پرتنش دوران ولادیمیر پوتین و جرج بوش به نظر می‌رسد در دوره مدودف و اوباما مسیر هموارتری را طی می‌کند، هر چند این دو سیاستمدار جوان مجبور هستند سیاست‌های خود را بر بستر میراث پیشینیان خود به پیش ببرند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیدار رئیس جمهور ایالات متحده از روسیه تمدید توافقنامه خلع سلاح موسوم به استارت ۲ بود که در این نوشتار ضمن واکاوی پیشینه این موضوع، به اهداف، آثار و نتایج آن بر سیاست و امنیت بین الملل خواهیم پرداخت. اما از آنجا که درک توافقات فی‌مابین مسکو - واشنگتن بدون درک فضای حاکم بر مناسبات دو طرف مقدور نیست، پیش از پرداختن به موضوع کنترل و خلع سلاح، مروری خواهیم داشت بر روابط دو کشور در فضای پس از جنگ سرد تا دریاپیم اوباما و مدودف پس از سیر چه دورانی به این توافق در جولای ۲۰۰۹ در کرملین دست یافتند.

**دوران گذار نظام بین الملل و جایگاه دو کشور**  
فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی که به منزله پایان نظام تک قطبی و رقابت‌های ایدئولوژیک دوران جنگ سرد به شمار می‌رفت، نتایج مهمی در عرصه سیاست بین الملل به دنبال داشت که نزول قدرت شوروی از مرتبه ابرقدرتی به قدرتی متوسط و روبه افول به نام روسیه به موازات حفظ و بقای ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت به جا مانده از دوران جنگ سرد از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. در حالی که ایالات متحده در طی دهه ۹۰ میلادی در پرتو دکترین نظم نوین جهانی رویای تحقق جهان آمریکایی را در سر می‌پروراند، فدراسیون

فصل جدیدی از سیاست خارجی ایالات متحده از ژانویه ۲۰۰۹ آغاز گشت که یکی از مهم‌ترین کانون‌های آن بهبود مناسبات با روسیه و حل و فصل مسایل و چالش‌های به جای مانده از گذشته بود که مساله کنترل تسلیحات از مهم‌ترین آن به شمار می‌رود.

## کنترل تسلیحات (Arms Control)

در ادبیات روابط بین‌الملل، کنترل تسلیحات فرایندی است که هدف آن قاعده‌مند کردن کاربرد تسلیحات است، در صورتی که هدف از اجرای خلع سلاح دستیابی به راه‌های سالم‌آمیز از طریق حذف تسلیحات از جدول محاسبات دولت‌ها است. کنترل تسلیحات با استراتژی‌های گوناگون و انعقاد پیمان‌های مختلف امکان‌پذیر است؛ از جمله:

- ۱- محدود کردن شمار و انواع سلاح‌هایی که می‌توان آن‌ها را در جنگ به کار گرفت؛
- ۲- محدود کردن پتانسیل تخریبی سلاح‌ها از طریق کاهش تعداد زرادخانه‌ها؛
- ۳- کاهش کلی شمار سلاح‌ها؛
- ۴- ممنوع کردن کاربرد فناوری‌هایی که ممکن است تاثیری منفی در موازنه قدرت داشته باشد؛
- ۵- توسعه تدابیر اطمینان‌آفرین.

موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات مانع گسترش برخی از سلاح‌ها و سیستم‌های آن می‌شود و موانعی را بر سر راه تولید و کاربرد آن‌ها که ممکن است احتمال جنگ را تشدید کند، به وجود می‌آورد. از سال ۱۹۴۵ یعنی پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات، متوجه عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک، مسائل مرتبط با سیستم‌های موشکی ضد بالستیک و کاهش آزمایش‌های هسته‌ای شده است. برخی از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های کنترل تسلیحات عبارتند از:

- \* پیمان ۱۹۵۹ قطب جنوب در مورد عدم تاسیس پایگاه‌های نظامی در جنوبگان
- \* کنوانسیون ۱۹۷۲ سلاح‌های بیولوژیک راجع به عدم تولید و مالکیت سلاح‌های بیولوژیک
- \* پیمان ۱۹۶۸ عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان . پی . تی)
- \* گفتگوهای محدود کردن سلاح‌های استراتژیک موسوم به سالت - ۱ در سال ۱۹۷۲
- \* پیمان ۱۹۸۹ کاهش سلاح‌های استراتژیک موسوم به استارت ۲ در سال ۱۹۹۲
- \* کنوانسیون ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی که خواستار نابودی انبار سلاح‌های شیمیایی دولت‌های امضاءکننده در ظرف یک دهه شده است
- \* پیمان ۱۹۹۸ مین‌های ضد نفر

از دشواری‌هایی که بر سر راه کنترل تسلیحات قرار دارد، مسئله راستی‌آزمایی فرایند کنترل است که علی‌رغم وجود ماهواره‌های بسیار پیشرفته، نمی‌توان به عملکرد دولت‌ها در این رابطه اعتماد کرد. ایالات متحده اگرچه خود یکی از کشورهای متعهد کنوانسیون ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی است، معهذاً مقادیر زیادی سلاح شیمیایی تولید و انبار کرده است. از طرفی اعمال تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی فقط

روسیه با انبوهی از مشکلات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در دوران می‌گذراند بوریس یلتسین روزگار بسیار سختی را می‌گذراند که هیچ‌گونه شباهتی به دوران پراپتت تزاریسم و کمونیسم نداشت. دوران گذار فدراسیون روسیه بهترین فرصت را برای جهان غرب فراهم آورد تا بتواند با گسترش مرزهای سازمان سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و سازمان نظامی ناتو به اروپای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز، منافع ژئوپلیتیکی روسیه را در مناطق پیشین خود تحت فشار قرار دهد.

پس از طی نزدیک به یک دهه تحقیر روسیه از سوی جهان غرب، از ابتدای قرن بیست و یکم، روسیه توانست در پرتو روی کارآمدن نسل جدیدی از رهبران سیاسی مانند پریماکف، پوتین، لاوروف، ایوانف و... که خواهان پایان بخشیدن به مدیریت متزلزل یلتسین و احیای قدرت روسیه در عرصه جهانی بودند، رستاخیزی از قدرت روسیه را در عرصه‌های مختلف به نمایش بگذارد. عامل مهمی که در این مقطع به موقع به کمک روس‌ها آمد، افزایش جهانی بهای انرژی بود این امر روسیه را به عنوان بزرگ‌ترین دارنده گاز طبیعی جهان و سومین کشور برخوردار از منابع نفت خام جهان - آن هم خارج از چارچوب تعهدات و سهمیه بندی‌های اوپک - قادر ساخت درآمد ملی عظیمی را جذب اقتصاد بیمار روسیه کند و آن را پشتوانه اهداف سیاسی و امنیتی خود قرار دهد.

بر بستر چنین تحولاتی در صحنه سیاسی روسیه، مددوف جوان بر مسند ریاست جمهوری نشست. هر چند همگان در داخل و خارج روسیه باور این است که پوتین همچنان قدرتمندترین مرد کرملین به شمار می‌رود. در صحنه سیاسی آمریکا نیز با روی کارآمدن باراک اوباما به جای جرج بوش و اتخاذ سیاست‌های متفاوت از دوران حاکمیت جمهوری خواهان نومحافظه کار درواشنگتن،





ذخایر هسته ای را ۱۵۰۰-۱۶۰۰ واحد و سقف ابزار ناقل آن ها را ۱۱۰۰ واحد پیشنهاد می دهد. این امر به اوپاما اجازه خواهد داد که انجام یافتن یکی از مهمترین وظایف در سیاست خارجی را اعلام کند. بیشتر مدویدیف و پس از آن نیکلای سلاففسوف فرمانده نیروهای موشکی استراتژیک روسیه آمادگی مسکو برای اتخاذ تدابیر رادیکالی و کاهش ذخایر هسته ای تا ۱۵۰۰ واحد و کاهش قابل توجه ابزار انتقال آن را اعلام کرده بودند.

این درحالی است که نظامیان روسیه اولاً خواستار کاهش ذخایر هسته ای کمتر از ۱۷۰۰ واحد شده اند و ثانیاً مسکو آینده قرارداد کاهش تسلیحات تهاجمی استراتژیک (پیمان استارت-۱) را با برنامه آمریکا برای استقرار تجهیزات سپر موشکی در اروپا مرتبط می کند.

علاوه بر این، مسکو اصرار دارد که در قرارداد جدید استارت باید کاهش تسلیحات استراتژیک غیرهسته ای نیز درج شوند که واشنگتن مخالف آن است. در نهایت، آنطور که ویکتور یسین رئیس ستاد کل نیروهای موشکی استراتژیک روسیه اطلاع داد، طرفین در رابطه با تعداد ابزار ناقل نیز اختلاف نظر دارند. یسین افزود: سقف ۱۱۰۰ برای ابزار ناقل استراتژیک که از سوی آمریکایی ها اعلام شده است، تقریباً همه آن چیزی است که آنها دارند. اما رئیس جمهور ما اعلام کرد که آماده است تعداد ابزار ناقل را چند برابر کاهش داده و این شاخص را به ۵۰۰-۶۰۰ برساند. در این مسئله سازش وجود ندارد، زیرا آمریکایی نمی خواهد تا این حد به خود فشار بیاورد. این یکی از اختلاف نظرات اصلی است.

اما به هر صورت باوجود تمام موانع و مشکلات دیمیتری مدویدیف، رئیس جمهور فدراسیون روسیه و باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا توانستند روز دوشنبه ۶ جولای در مسکو توافقنامه ای کلی امضا کنند که مبنای قرارداد جدید کاهش و محدودسازی سلاح تهاجمی استراتژیک باشد. امضای این سند را باید نتیجه اصلی دیدار سران آمریکا و روسیه دانست. چنانچه اشاره شد، این توافق یک سند کلی است که راه برای چانه زنی کارشناسان نظامی و سیاسی دو کشور بر سر تعیین جزئیات و مصادیق آن باز می کند. باید به انتظار آینده نشست و شاهد بود که در فراز و نشیب های روابط مسکو- واشنگتن در حوزه های مختلف، دو طرف در چه زمینه ها و جزئیاتی به توافق خواهند رسید و مهم تر از آن پایبندی عملی دو طرف به آن توافقات به چه میزان خواهد بود. ▲

(کلیه منابع در دفتر ماهنامه محفوظ است)

گذشته در ژنو بر توافق دو کشور برای تمدید و بازنگری در پیمان استارت - ۱ تاکید کردند. اندکی بعد در اول آوریل ۲۰۰۹، باراک اوباما و همتای روسی وی دیمیتری مدویدف، در حاشیه نشست سران گروه ۲۰ در لندن اعلام کردند که می کوشند هرچه زودتر بر سر یک پیمان خلع سلاح تازه به توافق برسند. دراستای عملیاتی شدن موضوع دو طرف توافق کردند تا مذاکرات در این زمینه در روزهای ۱۹ الی ۲۱ ماه مه صورت گیرد. بر این اساس نخستین دور از مذاکرات رسمی روسیه و آمریکا در مسکو، با هدف تدوین توافق نامه جدیدی پیرامون کاهش تسلیحات تهاجمی راهبردی، در حالی آغاز شد که از یک سو مدت زمان زیادی تا پایان پیمان پیشین باقی نمانده بود و از سوی دیگر موانع متعددی بر سر راه انعقاد یک پیمان جدید، وجود داشت.

نخستین دلیلی که برای عدم دستیابی دو طرف به توافقی جامع وجود دارد را باید در مسائل امنیتی-راهبردی موجود در میان آمریکا و روسیه جستجو نمود. بر این اساس روسیه قصد دارد مسائل مربوط به کاهش تسلیحات تهاجمی راهبردی را با مسئله استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در شرق اروپا مرتبط سازد و بالتبع چنین امری به هیچ وجه مورد قبول واشنگتن قرار نخواهد گرفت. چنانکه پیش از این «ولادیمیر پوتین»، نخست وزیر روسیه در جریان سفر خود به ژاپن اعلام کرده بود که روسیه مسلمانا همه مسائل مربوط به سیستم دفاع ضد موشکی و کاهش تسلیحات تهاجمی راهبردی را به یکدیگر مرتبط می داند.

پوتین در مصاحبه ای با رسانه های گروهی ژاپن اعلام کرده بود: «فکر می کنم که برای درک این مسئله نیاز به علم کارشناسی نباشد. اگر یکی از طرفین بخواهد و یا در فکر آن باشد که چتری را برای دفاع در برابر هرگونه تهاجم بالای سر خود قرار دهد، این توهم برایش ایجاد خواهد شد که اجازه انجام هر کاری را دارد؛ آن وقت است که حس تهاجم در عملکرد آن چندین بار افزایش خواهد یافت و تهدید رویارویی جهانی به سطح بسیار خطرناکی خواهد رسید. از این رو همانطور که دیمیتری مدویدیف در جریان دیدار ماه آوریل خود از هلسینکی تاکید کرده بود که پیمان جدید محدودیت تسلیحات استراتژیکی تهاجمی باید ابزار انتقال نظیر موشک های قاره پیمای بالستیک، موشک های بالستیک در زیر دریایی ها و بمب افکن های استراتژیکی را نیز شامل شود، «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه نیز در جریان برگزاری مذاکرات اعلام کرد که «پیمان جدید استارت باید کلیه عواملی که به تامین امنیت مربوط می شوند از جمله سپر ضد موشکی و استقرار تسلیحات در فضا را در نظر گیرد». وزیر امور خارجه روسیه تاکید کرد که «این مسئله بدون در نظر گرفتن اوضاع در زمینه دفاع ضد موشکی و بسیاری از عوامل دیگر مانند استقرار سیستم های تهاجمی در فضا، برنامه ایجاد کلاهک های غیر هسته ای و وضعیت نیروهای مسلح متعارف تامین نخواهد شد.»

از سویی دیگر طرف آمریکایی اصرار دارد تا در سند کلی که در دست تهیه است، ارقام مشخصی هم در رابطه با ذخایر هسته ای و هم ابزار ناقل استراتژیک آنها درج شوند که پس از آن نیز در سند مربوطه قید شوند. واشنگتن سقف

موجد فشار بر کشورهای ضعیف می شود و تاثیری بر ایالات متحده، چین و روسیه ندارد. انتقادی که بر پیمان ۱۹۶۸ عدم گسترش سلاح های هسته ای وارد است این است که این معاهده صرفاً یک شمشیر داموکلس برای کشورهای جهان سوم بوده و بیشتر تلاطم هژمونی قدرت های بزرگ را باعث می شود تا کاهش تنش های بین المللی.

### پیشینه کنترل تسلیحات در روابط مسکو- واشنگتن

پس از رویارویی های نظامی ابرقدرت در بحران شبه جزیره کره و ویتنام و...، نخستین تلاش مسکو و واشنگتن در زمینه خلع سلاح به ۲۶ می ۲۰۰۷ بر می گردد که پیمان ضد موشک بالستیک (ABM Treaty) بین دو کشور به امضاء رسید. به موجب این پیمان (با در نظر گرفتن استثنایهایی) استقرار سیستم ضد موشک های بالستیک ممنوع گردید و هر کشور فقط به ایجاد دو سیستم، یکی برای حفاظت میدانی موشک های قاره پیمای بالستیک و دیگری برای دفاع از سازمان فرماندهی ملی (پایتخت) مجاز بود. آمریکا این پیمان را یکسره رها کرد ولی شوروی اقدام به استقرار سیستم مذکور در اطراف مسکو کرد. طرح استراتژیک (جنگ ستارگان) آمریکا که در دوران ریگان عنوان شد، عملاً ناقض پیمان مذکور بود. پس از روی کار آمدن جرج بوش در ژانویه ۲۰۰۱، زمره هایی در ایالات متحده برای خروج از آن مطرح شد که پس از رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، واشنگتن رسماً خروج از پیمان فوق را اعلام داشت.

دومین کوشش دو کشور به گفتگوهای دو کشور در سال ۱۹۸۲ بر می گردد که طی آن مذاکرات بین سران آمریکا و شوروی (ریگان و گورباچف) به منظور کاهش جنگ افزارهای استراتژیک کشور آغاز شد و سرانجام پس از گذشت ۹ سال، قراردادی به نام استارت - ۱ در ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱ بین بوش رئیس جمهور آمریکا و گورباچف رهبر شوروی در مسکو به امضاء رسید. براساس این معاهده شوروی متعهد شد که تعداد کلاهک های موشک های برد بلند خود را از ۱۱/۰۱۲ فرزند به ۶/۱۶۳ و آمریکا نیز تعداد آن ها را از ۱۲/۶۴۶ به ۸/۵۵۶ فرزند کاهش دهد.

در قرارداد دیگری تحت عنوان استارت - ۲ در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۹۳ بین بوش و یلتسین روسای جمهور آمریکا و فدراسیون روسیه در مسکو به امضاء رسید، سقف جنگ افزارهای استراتژیک دو کشور تا سال ۲۰۰۳ به یک سوم موجودی آن در زمان امضای قرارداد، کاهش یافت. بدین ترتیب تعداد کلاهک های جنگی و بمب های اتمی آمریکا به ۳۵۰۰ و روسیه به ۳۰۰۰ فرزند خواهد رسید و مازاد آن ها برابر ترتیبات مقرر منهدم خواهد شد. معاهده مذکور در ۲۷ ژانویه ۱۹۹۶ در سنای آمریکا و در ۱۴ آوریل ۲۰۰۰ میلادی توسط دوما روسیه به تصویب رسید.

### توافق اوباما و مدویدف در مسکو

به هر حال در شرایطی که مدت پیمان «استارت-۱» در ۵ دسامبر سال ۲۰۰۹ به پایان می رسید، لذا آمریکا و روسیه ناگزیر به عقد پیمان نوینی برای جایگزینی این پیمان شدند. در این راستا هیلاری کلینتون و لاوروف، وزاری خارجه روسیه و آمریکا در دیداری در اسفند سال